



An Analysis of the Differential Criminal Policy for Children and Teenagers

Mahdi Saeidi¹, Seyed Mahdi Jokar^{1*}, Mansour Gharibpour¹

1. Department of Theology, Faculty of Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The phenomenon of buying and selling children is a social harm that is affected by various factors and its eradication requires the cooperation of various agencies. However, in the meantime, the establishment of efficient and appropriate laws and the proportionality of punishment to the crime committed have a special place. Because children are exposed to great vulnerability, it is necessary for the legislator to support them in the form of a differentiated policy. This policy has been adopted in domestic laws in the form of special criminalizations or increased punishment for crimes committed against children. Despite the adoption of domestic laws to combat the sale of children influenced by international documents, there are still many gaps and gaps to reach the desired level. The purpose of this research is to identify legal deficiencies in the field of the crime of buying and selling children and adolescents.

Method: The research method of this study is descriptive-analytical and the method of collecting information is library studies and research.

Ethical Considerations: This article has fully adhered to the principles of ethics, honesty, trustworthiness, authors' rights and material and intellectual property.

Results: The findings of the present study are based on the fact that in the existing laws on the purchase and sale of children and adolescents and since the prescribed punishments have not been effective, it is possible to consider the punishment of amputation of the hand, which is derived from reliable narrations in terms of implication and evidence, for this crime, which entails respect for the personality and dignity of the human being, with the help of jurisprudence, which is one of the sources of law.

Conclusion: Although the differentiated criminal policy regarding child victimization is a fundamental step in defending this group, it is still far from achieving the desired result, including the fact that there is no proportionality between the crime of buying and selling children and adolescents and the punishment determined in the law and this factor can facilitate the commission of the crime. In Iran's criminal policy, a systematic approach to protecting children and adolescents in a comprehensive and preventive manner has not been adopted, so that the buying and selling of children is carried out in the shadow of existing legal gaps. Therefore, the existing laws need to be amended and revised. The country's criminal policy, while considering the appropriate fight against perpetrators of crimes against children, especially their buying and selling, should move towards protective approaches and prioritize the cultural, social and economic causes and contexts of the crime of child trafficking.

Keywords: Differential Criminal Policy; Child and Juvenile Delinquency; Criminal Policymaking; Criticism of Policymaking

Corresponding Author: Seyed Mahdi Jokar; **Email:** m.jokar@yu.ac.ir

Received: October 17, 2024; **Accepted:** January 04, 2025; **Published Online:** February 23, 2026

Please cite this article as:

Saeidi M, Jokar SM, Gharibpour M. An Analysis of the Differential Criminal Policy for Children and Teenagers. *Medical Law Journal*. 2025; 19: e68.



تحلیلی بر سیاست کیفری افتراقی در قبال بزه خرید و فروش کودکان و نوجوانان

مهدی سعیدی^۱، سیدمهدی جوکار^{۱*}، منصور غریب پور^۱

۱. گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پدیده خرید و فروش کودکان آسیبی اجتماعی است که متأثر از عوامل مختلفی است که ریشه‌کن نمودن آن نیاز به همکاری دستگاه‌های مختلف دارد، اما در این میان، وضع قوانین کارآمد و مناسب و تناسب مجازات با بزه ارتكابی، جایگاه ویژه‌ای دارد. کودکان به خاطر اینکه در معرض آسیب‌پذیری فراوانی قرار دارند، لازم است قانونگذار در قالب یک سیاست افتراقی از آنان حمایت کند. اتخاذ این سیاست در قوانین داخلی در قالب جرم‌انگاری‌های ویژه یا تشدید مجازات جرائم ارتكابی علیه کودکان صورت گرفته است. با وجود تصویب قوانین داخلی در جهت مبارزه با فروش کودکان متأثر از اسناد بین‌المللی، اما کماکان تا رسیدن به حد مطلوب فاصله و خلأهای بسیاری وجود دارد. هدف این پژوهش شناسایی نارسایی‌های قانونی در حوزه بزه خرید و فروش کودکان و نوجوانان است.

روش: روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: این مقاله به طور کامل به اصول اخلاقی، صداقت، امانت‌داری، حقوق مؤلفان و مالکیت مادی و معنوی پایبند بوده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر آن است که در قوانین موجود در زمینه خرید و فروش کودکان و نوجوانان و از آنجا که مجازات‌های مقرر، کارساز نبوده، می‌توان با استمداد از علم فقه که یکی از منابع حقوق است، مجازات قطع ید که منبعث از روایات متقن از حیث دلالت و سند است را برای این جرم در نظر گرفت که احترام به شخصیت و کرامت انسان را در پی دارد.

نتیجه‌گیری: سیاست کیفری افتراقی در مورد بزه‌دیدگی اطفال با اینکه گامی اساسی در دفاع از این قشر است، اما هنوز تا رسیدن به مطلوب فاصله زیادی دارد، از جمله اینکه میان بزه خرید و فروش کودک و نوجوان با مجازات تعیین‌شده در قانون تناسبی وجود ندارد و همین عامل می‌تواند تسهیل‌کننده وقوع جرم باشد. در سیاست کیفری ایران رویکرد نظام‌مندی جهت حمایت از کودکان و نوجوانان به صورت جامع و مانع اتخاذ نشده است، به گونه‌ای که خرید و فروش کودکان در سایه خلأهای قانونی موجود انجام می‌شود. بنابراین قوانین موجود نیازمند اصلاح و بازبینی است. سیاست کیفری کشور باید ضمن ملاحظه مبارزه مناسب با مرتکبین جرائم علیه کودکان به ویژه خرید و فروش آنان، باید به سمت رویکردهای حمایتی حرکت کند و علل و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جرم کودک فروشی را در اولویت قرار دهد.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری افتراقی؛ بزه خرید و فروش کودک و نوجوان؛ سیاست‌گذاری جنایی؛ نقد سیاستگذار

نویسنده مسئول: سیدمهدی جوکار؛ پست الکترونیک: m.jokar@yu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Saeidi M, Jokar SM, Gharibpour M. An Analysis of the Differential Criminal Policy for Children and Teenagers. Medical Law Journal. 2025; 19: e68.

مقدمه

کودکان و نوجوانان به خاطر قرارگرفتن در برهه‌ای خاص از زندگی، همواره در معرض آسیب‌های مختلف هستند، به همین خاطر نیازمند حمایت گسترده از جانب والدین و نهادهای اجتماعی هستند تا بتوانند در مسیر رشد و تعالی حرکت نمایند و از عوامل آسیب‌زا مصون بمانند، به همین دلیل، این گروه یکی از گروه‌های هدف جامعه در سیاستگذاری اجتماعی هستند که جایگاه رفاهی آنان محل مناقشه بسیاری است (۱).

حمایت از کودکان و نوجوانان در اعلامیه جهانی حقوق کودک (مصوب ۱۹۵۹ م.) به شرح ذیل متبلور شده است:

اصل ۶: «کودک، جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم دارد و باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود و به هر صورت در فضایی پرمحبت، در امنیت اخلاقی و مادی، پرورش یابد.»

اصل ۹: «کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود.»

موضوع کودک به اندازه‌ای مهم و حیاتی است که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها متبلور شده است. اصول ۲۰ و ۳۹ قانون اساسی اسپانیا، اصول ۶ و ۷ قانون اساسی آلمان، اصول ۲۴ و ۶۴ مکرر سوئیس، اصول ۳۱ و ۳۲ قانون اساسی کره جنوبی، اصول ۳۰، ۳۱ و ۳۷ قانون اساسی ایتالیا نمونه‌هایی از این موارد است (۲). در همین رابطه شناسایی عواملی که شخصیت کودک و نوجوان را در معرض هتک و مخاطره قرار می‌دهد، امری اجتناب‌ناپذیر است، چراکه بدون آن نمی‌توان اقدامی در راستای پیشگیری از جرائم علیه این قشر و نیز اتخاذ تصمیمات مناسب در صورت وقوع، انجام داد.

منشأ عوامل خطر یا مشکلات جامعه‌پذیری ممکن است از مکان‌های اصلی جامعه‌پذیرشدن فرد نظیر خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان و محیط محلی باشد یا از خصوصیات شخصی افراد مورد نظر ناشی شوند که عموماً به دنبال شکست و یا ضعف‌های موجود در این محیط‌های زندگی، تحصیل و تفریح به وجود آمده است (۳).

وضعیت مخاطره‌آمیز وضعیتی است که در آن طفل در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب قرار می‌گیرد که او را نیازمند حمایت قرار می‌دهد (۴). در مقابل عوامل خطر، عوامل دیگری وجود دارد که با عنوان عوامل حمایتی شناخته می‌شوند که با کاستن از آسیب‌پذیری طفل، به وی کمک می‌کنند تا با اختلال‌ها و دگرگونی‌های مختلف که در این محیط‌های گوناگون زندگی ممکن است با آن‌ها رو به رو شود، خود را به طور سازنده منطبق نماید (۴). منظور ما از عوامل حمایتی در جایی است که کودکان و نوجوانان به دلایل مختلف قادر به دفاع از حقوق خود نیستند.

یکی از پدیده‌های اجتماعی ناپسندی که به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی به یکی از معضلات و مسائل شایان توجه تبدیل شده است، تجارت یا خرید و فروش کودکان و نوجوانان است. طبق گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت، بخش عمده‌ای از گردش مالی مرتبط با خرید و فروش کودکان به بهره‌کشی جنسی اختصاص دارد که سالانه حدود ۸ میلیارد دلار است و این سود کلان زمینه افزایش این جرم را افزایش داده و آن را به یک تهدید جهانی تبدیل نموده است (۵). این موضوع در بند «ج» قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ بیان شده است: «معامله: خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیر قانونی که به موجب آن طفل یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد.»

این موضوع از آنجا اهمیت می‌یابد که این قشر توانایی دفاع از حقوق خود را ندارند و از این جهت حیات اجتماعی آنان، مستلزم توجه ویژه نهادهای حمایتی و قانونگذاری است. در این تحقیق در پی آن هستیم تا به شیوه توصیفی ضمن برشماری عوامل شیوع این جرم، خلأهای قانونی موجود در این رابطه را ارزیابی کنیم.

روش

روش تحقیق این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، مطالعات و تحقیقات کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر مبتنی بر آن است که در قوانین موجود در زمینه خرید و فروش کودکان و نوجوانان و از آنجا که مجازات‌های مقرر، کارساز نبوده، می‌توان با استمداد از علم فقه که یکی از منابع حقوق است، مجازات قطع ید که منبعث از روایات متقن از حیث دلالت و سند است را برای این جرم در نظر گرفت که احترام به شخصیت و کرامت انسان را در پی دارد.

بحث

۱. مفاهیم پژوهش

۱-۱. مفهوم کودک و نوجوان: تعریف و شناخت مفهوم کودک به عنوان شخصی که رشد و بالندگی او باید مورد اهتمام دولت و اجتماع قرار بگیرد، امری مشکل می‌نماید. تعیین دقیق سن کودکی از چنان اهمیتی برخوردار است که ممکن است کودک را از یک انسان بی‌گناه به فردی مجرم مبدل نماید. مع‌الأسف در میان دولت‌ها و اسناد حقوق بشری رویکرد واحدی در این زمینه وجود ندارد (۶)، شاید بدین دلیل باشد که هر نظام حقوقی بر طبق شرایط اجتماعی و فرهنگی خود به تعریف و تعیین حدود و ثغور آن مبادرت می‌ورزد. صغیر در لغت به معنی خرد و کوچک است (۷) و صِغَر، کودکی یا طفولیت، دورانی از زندگی یک شخص است که به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (۸-۹). در عرف عمومی کسی را که به سن بلوغ نرسیده باشد را کودک خطاب می‌کنند.

نوجوانی (Adolescence) از دیدگاه علم روان‌شناسی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است و معمولاً سنین ۱۱ تا ۱۸ را شامل می‌شود. بر اساس یافته‌های روان‌شناختی، نوجوانی مرحله‌ای از چرخه تحول روانی است که پس از کودکی آغاز

می‌شود و با تغییرات عمیق همراه است، به طوری که می‌توان آن را دوره‌ای از دگرگونی‌های اساسی دانست. این دوره به ویژه، سال‌های اولیه آن با تغییرات گسترده در زمینه‌های جسمانی، جنسی، روانی و الزامات اجتماعی مشخص می‌شود (۱۰)، بدین‌جهت که در این دوره فرد دیگر نه در زمره کودکان قرار می‌گیرد و نه به درستی بالغ شده است (۱۱).

در ماده ۱ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ تعریف کودک و نوجوان به شرح ذیل آمده است: «الف - طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است؛ «ب - نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است.»

پیش از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ و حذف ماده ۱۲۰۹، صغیر به شخصی اطلاق می‌شد که کمتر از ۱۸ سال باشد، اما پس از آن و با توجه به ماده ۱۲۱۰ مفهوم صغیر در فقه و حقوق یکسان گردید و ملاک صغر، نرسیدن به سن بلوغ شرعی قرار گرفت (۱۲). همین مفهوم در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق نیز لحاظ شده بود. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱، محدوده حمایتی از نوجوانان را وسیع‌تر از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، یعنی سن بلوغ دانسته است، علاوه بر این در تعیین سن حمایتی، تاریخ شمسی جایگزین تاریخ قمری گردیده است که از ابتکارات قانونگذار محسوب می‌شود (۱۳). قانون مجازات اسلامی جدید نیز پایان دوران کودکی را ۱۸ سالگی معرفی می‌کند. بر همین اساس در ماده یک میثاق حقوق کودک در اسلام در تعریف کودک چنین آمده است: «منظور از کودک هر انسانی است که بر اساس قانون قابل اعمال در مورد او، به سن بلوغ نرسیده باشد.»

با وجود تصویب قوانین مختلف داخلی و نیز اهتمام جدی اسناد بین‌المللی در حمایت از کودکان، همه‌روزه شاهد ظلم و بی‌عدالتی‌های بسیار علیه این قشر هستیم که شاید یکی از علل آن، عدم وفاق در مورد محدوده سنی کودکان و تمیز آن از بزرگسالی باشد. بیشتر قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی محدوده دوران کودکی را ۱۸ سالگی دانسته‌اند. به عبارت دیگر در حقوق بین‌الملل، ضابطه نوعی و سن برای کودکی پذیرفته

حد یک کالا برای تجارت و در اختیارگذاران به هر فردی تنزل می‌دهد (۱۷).

ماده ۲ پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در خصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مقرر داشته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی): «فروش کودکان به هرگونه عمل یا معامله‌ای اطلاق می‌شود که به وسیله آن، کودک توسط شخص یا گروهی از اشخاص به منظور سودجویی یا هر منظوری به دیگری انتقال داده شود.» در ماده ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک نیز کشورهای طرف کنوانسیون مکلف هستند که همه اقدامات ضروری ملی، دو و چندجانبه را برای جلوگیری از فروش، ربوده‌شدن، فروش و قاچاق کودکان به هر شیوه و برای هر هدفی فراهم کنند.

۱-۳. قوانین موجود در زمینه کودک‌فروشی: به خاطر نسخ پدیده خرید و فروش انسان‌ها در قرون پیش، وجود قانون اختصاصی در این زمینه سالبه به انتقادی موضوع تلقی می‌شده و بدیهی است قانونگذار تدوین قانون اختصاصی در این زمینه را به صلاح نمی‌دانسته و در قوانین عام داخلی در این موضوع سخنی به میان نیامده است. به موجب بند ۶ اصل دوم قانون اساسی که مبین حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان است، کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند مورد تأکید قرار گرفته است. به خاطر وضعیت خاص کودکان تلاش روزافزون قوانین داخلی و بین‌المللی بر این است که سوءاستفاده از شخصیت کودک به هر نحو جرم تلقی گردد و به تبع آن مجازات سنگینی برای آن وضع شود. در کشور ما نیز می‌توان به برخی از قوانین عام و افتراقی در این زمینه استناد کرد که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱-۳-۱. تحلیل حکم خرید و فروش کودک از منظر قانون مدنی: قانونگذار برای صحت معامله در قانون مدنی موارد مشخصی را مقرر نموده است که اگر این شرایط رعایت نگردد، معامله باطل می‌شود. بر همین اساس قانونگذار در ماده ۱۹۰ قانون مذکور شرایط کلی صحت معامله را به شرح ذیل بیان کرده است:

شده است. کنوانسیون حقوق کودک که یکی از منابع مرجع در این زمینه است، ضمن ترجیح ۱۸ سالگی، پایان دوران کودکی را به قوانین داخلی کشورها واگذار کرده است (۱۴). در فقه امامیه در کنار بلوغ، ملکه رشد نیز برای رفع محجوریت شخص لحاظ شده است و برخلاف آنچه اهل سنت می‌پندارند، برخورداری از سن خاص بدون برخورداری از رشد ملاک اهلیت استیفای شخص نیست (۱۵).

با وجود اختلاف عمیق در تعریف محدوده کودکی میان اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی و نیز فقها و حقوقدانان، منظور ما از کودکی در این نوشتار شامل نوزاد، صغیر ممیز و غیر ممیز تا ۱۸ سالگی می‌شود، به گونه‌ای که نوجوان نیز در این محدوده قرار می‌گیرد و جنین نیز با وجود اینکه از حق حیات برخوردار است، از موضوع این بحث خارج است و احکام مخصوص به خود را دارد. در مجموع می‌توان گفت در قوانین داخلی ایران، احکام عبادی بر احکام اجتماعی سایه افکنده است و به رغم برخی نصوص صریح در این باره، کماکان سن بلوغ به عنوان معیار تمایز دوران کودکی از بزرگسالی قلمداد شده است یا حداکثر ترجیح دارد.

در ماده ۲ سند ملی کودک در تعریف کودک و نوجوان چنین آمده است: «از نظر سند حاضر، منظور از کودک هر انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و منظور از نوجوان فرد بالغی است که بر اساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ محجور نمی‌شود» (۱۶).

۱-۲. خرید و فروش کودکان: جرم خرید و فروش کودکان به مانند سایر موارد خشونت علیه آنان و به خاطر دغدغه‌های اجتماعی، اخیراً مورد توجه بسیار قرار گرفته است که مطالعه و بررسی آن منجر به کشف لایحه‌های پنهان از چگونگی وقوع و گسترش این پدیده حکایت دارد. خرید و فروش کودکان کاری زیان‌آور به شمار می‌آید که باید بدون توجه به انگیزه‌ها و اهداف انجام‌دهنده آن، محکوم گردد، زیرا توهینی مستقیم به تمامیت فردی کودک به عنوان یک انسان است که او را در

«قصد طرفین و رضای آن‌ها، اهلیت طرفین، موضوع معین که مورد معامله باشد، مشروعیت جهت معامله»، آنچه در مورد موضوع ما محل بحث واقع می‌شود، دو مورد اخیر است.

مطابق مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ قانون مدنی یکی از شرایط اساسی صحت معامله، مالیت مورد معامله است (مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفای آن را می‌کنند. مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد). مالیت مورد معامله، از جمله موضوعاتی است که مورد بحث و بررسی بسیاری از دیدگاه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است.

با وجود عدم تعریف مال در قوانین جمهوری اسلامی ایران، بر وفق مقررات مربوط به مال در قانون مدنی و دکترین حقوقی می‌توان گفت مال چیزی است که به لحاظ عقلانی مفید و برطرف‌کننده نیاز باشد و نیز قابلیت اختصاص و ارزش مبادله داشته باشد.

در حقیقت منشأ بسیاری از مواردی که در منابع فقهی تحت عنوان مکاسب محرمة و معاملات باطل بیان شده‌اند، فقدان مالیت و منافع حلال است. به همین جهت، خرید و فروش اشیاء و اموالی که ممنوعیت و حرمت شرعی دارند و به اصطلاح ارزش مبادله و منافع حلال عقلایی ندارند باطل و کسب درآمد بدان وسیله مصداق اکل مال به باطل است (۱۸). شیخ انصاری در مکاسب بیان داشته است: «یشترط فی کلّ منهما کونه متمولاً لأنّ البیع لغةً: مبادلة مالٍ بمال» (۱۹)، عوضین باید مالیت داشته باشند... چون بیع در لغت به معنای مبادله مال به مال است. به همین علت بیع انسان آزاد را به دلیل اینکه مالیت ندارد، مردود دانسته‌اند. شیخ همچنین ضابطه مالیت یک چیز را وجود منافع، حلیت و اعتبار عقلا می‌داند: «انّ مالیتة الشئ انما هی باعتبار منافعها المحللة المقصودة منه» (۲۰).

شیخ همچنین شرایط عوضین در عقد بیع را این‌گونه تشریح می‌کند: «انّ ما تحقّق أنّه لیس بمال عرفاً، فلا إشکال و لا خلاف فی عدم جواز وقوعه أحدّ العوضین؛ إذ لا بیع إلّا فی ملک و ما لم یتحقّق فیه ذلک: فإن کان أکل المال فی مقابله أکلًا بالباطل عرفاً، فالظاهر فساد المقابلة و ما لم یتحقّق فیه

ذلک: فإن ثبت دلیل من نصّ أو إجماع علی عدم جواز بیعه فهو و إلّا فلا یخفی وجوب الرجوع إلى عمومات صحّة البیع و التجارة» (۱۹). چیزی که از دید عرف ارزش مالی نداشته باشد، نمی‌توان به عنوان ثمن یا مضمن در معامله قرار گیرد، زیرا معامله تنها در چهارچوب مالکیت معنا پیدا می‌کند، اما اگر عرف به طور قطعی آن را بی‌ارزش نداند، دو حالت ممکن است وجود داشته باشد: اگر عرف دریافت چیزی در برابر آن را مصداق تصاحب مال به ناحق بدانند، معامله فاسد و باطل خواهد بود، اما اگر عرف چنین برداشتی نداشته باشد و دلیلی خاص، مانند نص یا اجماع، بر عدم جواز معامله آن وجود داشته باشد، باید طبق همان دلیل عمل شود. در غیر این صورت، باید به اصول کلی صحت بیع و معاملات تجاری رجوع کرد. مال باید علاوه بر قابلیت انتفاع حلال، قابلیت اختصاص یافتن و تعلق شأنی به اشخاص را داشته باشد و انسان بتواند آن را تحت سلطه و ملکیت خود درآورد (۲۰). محور مالکیت و استفاده از مال در تمامی نظرات فقها و حقوقدانان، شخص انسان یا اعتبار عقلا است، حال با این توضیح آیا می‌توان گفت به لحاظ حقوقی و عقلی یک انسان مالک انسان دیگر شود؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش از نظر هر عقل سلیمی منفی است. با توجه به اینکه مالیت یک امر اعتباری است، هیچ شخص عاقلی چنین معامله‌ای را اعتبار نمی‌کند و شرع و قانون معین نیز به پشتیبانی از آن به پا خاسته‌اند.

«لا یخفی أنّ الولد الحرّ لیس مالا مملوکا، لا عرفاً و لا شرعاً و عدم جواز بیع الحرّ من أمارات عدم ملکیتة؛ فرزند انسان آزاد در عرف و شرع مال نیست و مورد ملکیت واقع نمی‌شود و جایز نبودن بیع انسان آزاد از نشانه‌های عدم ملکیت اوست» (۲۱).

ماده ۴۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد... باطل است.»

با این توضیحات مشخص می‌شود که هیچ یک از ویژگی‌های مال و ضابطه وجود مالیت، در مورد انسان و به تبع آن کودک صدق نمی‌کند، حتی اگر در مفهوم مالیت انسان تشکیک کنیم و آن را بر حسب سلیقه شخص یا نوع مردم متفاوت بدانیم. در

«ماده واحده: در مملکت ایران هیچ کس به عنوان برده شناخته نشده و هر برده به مجرد ورود به خاک یا آب‌های ساحلی ایران آزاد خواهد بود، هر کس انسانی را به نام برده خرید و فروش کرده یا رفتار مالکانه دیگری نسبت به انسانی بنماید یا واسطه معامله و حمل و نقل برده بشود، محکوم به یک تا سه سال حبس تأدیبی خواهد گردید.

تبصره: هر یک از مأمورین دولتی مکلف است به محض اطلاع یا مراجعه کسی که مورد معامله یا رفتار بردگی شده است، فوراً وسایل استخلاص او را فراهم آورده، برای تعقیب مجرم به نزدیک‌ترین پارک‌ها بدایت اطلاع دهد.»

این قانون در زمره قوانین منسوخ قرار نگرفته و کماکان در ردیف یکی از قوانین لازم‌الاجرا در خصوص فروش اشخاص به ویژه کودکان قرار دارد که ممکن است در قالب رفتار شنیع برده‌داری متبلور گردیده و هدف از آن جلوگیری از ورود برده و عدم ترویج برده‌داری در کشور بود (۲۳). با این حال و با وجود اینکه برده‌داری پدیده‌ای منسوخ شناخته می‌شود، اما اگر در قالب تغییر عنوان به معامله انسان که اعم از کودکان است، سرایت نماید به صراحت این ماده واحده، می‌توان مرتکبین آن را محکوم نمود.

۱-۳-۳. **قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳:** با اینکه تجارت و خرید و فروش با قاچاق انسان (Human Trafficking) فرق می‌کند، اما در این رابطه خاستگاه‌های مشترکی نیز وجود دارد که ما را به سمت مطالعه و بررسی قانون مبارزه با قاچاق انسان سوق می‌دهد، بدین‌دلیل که ممکن است عمل خرید و فروش کودکان تحت عنوان قاچاق اتفاق افتد.

«ماده ۱: قاچاق انسان عبارت است از:

الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج؛ ب - تحویل‌گرفتن یا انتقال‌دادن یا مخفی‌نمودن یا فراهم‌ساختن موجبات اخفای

صورت وقوع چنین معامله‌ای اثر وضعی مورد نظر آن، یعنی مالکیت بر آن مترتب نمی‌شود و حکم آن بطلان است. در واقع در این مورد اثر حکم تکلیفی حرمت، با اثر حکم وضعی بطلان ملازمه دارد، اگرچه ممکن است در موارد دیگر بدین‌نحو نباشد، البته خرید و فروش اعضای بدن انسان از این حکم استثنا دانسته شده است.

علت دیگر بطلان این معامله مطابق ماده ۲۱۷ قانون مدنی (در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود، ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است)، وجود جهت نامشروع است، به همین علت اگر وجود انگیزه نامشروع در یکی از طرفین وجود داشته باشد، می‌توان آن قرارداد را باطل قلمداد کرد، ضمن آنکه چنین معامله‌ای به دلیل مغایرت با نص صریح قانون و مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه محکوم به بطلان است. در مجموع می‌توان گفت که خرید و فروش کودک به هر انگیزه‌ای به دلیل فقدان شرایط اساسی مربوط به موضوع معامله باطل است. بنابراین جنسیت انسان نمی‌تواند به عنوان ثمن یا مثن قرار گیرد و در صورت وقوع چنین کاری مطابق مفاد قانون مدنی ثمن یا مثن باید در وضعیت سابق قرار گیرد و بیع باطل نمی‌تواند مفید نقل ملکیت ثمن و مثن باشد و چنانچه پیش از کشف بطلان معامله، ثمن، پرداخت شده باشد، باید به خریدار مسترد گردد. اگر فروشنده با وجود احراز بطلان معامله، از استرداد ثمن خودداری کند، خریدار می‌تواند با تقدیم دادخواست مربوط، الزام او را از دادگاه مطالبه نماید.

۱-۳-۲. **قانون منع خرید و فروش برده در خاک ایران و آزادی برده در موقع ورود به مملکت:** قانون مذکور که مشتمل بر ماده واحده به علاوه یک تبصره است. یکی از اولین و جامع‌ترین منابع قانونی است که خرید و فروش و معامله انسان را منع نموده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت در نوع خود یک شاهکار به حساب می‌آید، زیرا قانونگذار در آن هر نوع اقدام مالکانه، از قبیل خرید و فروش و قاچاق و... نسبت به انسان را جرم‌انگاری کرده است (۲۲).

فرد یا افراد موضوع بند «الف» این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.»

مطابق ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان، ارتکاب این جرم در صورتی که از مصادیق جرائم مصرحه در قانون مجازات اسلامی نباشد، مستحق حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی معادل ۲ برابر وجوه یا اموال تحصیل شده از جرم یا وجوه و اموالی که وعده پرداخت آن از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث به مرتکب داده شده است، خواهد بود، ضمن اینکه بر طبق ماده ۶ اگر فرد، علاوه بر قاچاق انسان مرتکب جرم دیگری شود، به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.

در این قانون و در تبصره ۱ ماده ۳، داشتن سن کمتر از ۱۸ سال برای بزه‌دیده موجب تشدید مجازات تا حداکثر مجازات تعیین شده برای قاچاق انسان قرار داده شده است.

با این توضیحات مشخص می‌شود که معامله یا خرید و فروش کودک با قاچاق کودک متفاوت است، اما می‌توان مرتبط و در راستای قاچاق کودک باشد، به همین دلیل در قوانین هر یک از این در دو عنوان مستقل ذکر شده‌اند. اکثر کشورها مایل به برابردانستن مفاهیم خرید و فروش کودکان با قاچاق آن‌ها هستند. به عبارت دیگر بیشتر کشورها قانون ممنوعیت قاچاق انسان دارند، اما تا آنجا که احصا شده، قانون ویژه‌ای در مورد ممنوعیت خرید و فروش کودک ندارند. در نتیجه باید گفت که اگرچه قاچاق و خرید و فروش کودک موضوعات مشابهی هستند، اما نباید آن‌ها را یکی پنداشت (۱۳). در موضوع قاچاق انسان خروج از مرز سرزمینی شرط دانسته شده است که همین موضوع تفاوت آن را با خرید و فروش انسان مشخص می‌کند که در وقوع آن تعدد مرز شرط نیست.

در آن زمان در مورد موضوع خرید و فروش و قاچاق کودکان دو متن قانونی وجود داشت که قانونگذار تصریح نکرده بود که آیا با تصویب قانون مبارزه با قاچاق انسان، ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ نسخ شده است یا نه؟ در این رابطه دو احتمال مطرح شده:

۱- به دلیل خاص بودن هر دو قانون، خاص لاحق ناسخ خاص سابق است، یعنی قانون مبارزه با قاچاق انسان، ناسخ ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است؛

۲- دو متن قانونی با هم تعارضی ندارند، بدین دلیل که ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ناظر به قاچاق اطفال در داخل ایران است و قانون مبارزه با قاچاق انسان، ویژه قاچاق به خارج از مرزهای کشور است، پس تعارضی میان آن‌ها نیست و هر دو لازم‌الاجرا هستند که این نظر مطابق با قواعد حقوقی است (۲۴).

در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز قاچاق کودک پیش‌بینی شده و در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مذکور به این موضوع اشاره شده است: «هر کس مرتکب قاچاق اطفال و نوجوانان یا هر کس مرتکب انتقال، خرید، فروش یا قاچاق اعضا و جوارح طفل یا نوجوان شود، بیش از ده تا پانزده سال حبس انتظار او را خواهد کشید.»

همان‌گونه که مشخص است، قانونگذار برای دو جرم خرید و فروش و قاچاق کودک و نوجوان مجازات واحد را در نظر گرفته است که به نظر می‌رسد باید برای عمل خرید و فروش کودکان مجازات سنگین‌تری در نظر گرفته می‌شد.

مطابق ماده ۱ این قانون مبارزه با قاچاق انسان، وقوع جرم قاچاق زمانی است که مبدأ و مقصد آن با هم متفاوت باشد و در کشور واحد رخ ندهد، در غیر این صورت نمی‌توان گفت که جرم قاچاق محقق شده است. با این تحلیل مشخص می‌شود قانون اخیر در رابطه با خرید و فروش کودکان و به طور کلی معامله انسان در داخل قلمرو مرزهای یک کشور مسکوت است، حتی اگر خرید و فروش و قاچاق کودکان را مفهومی واحد بدانیم، بنابراین رجوع به قوانین دیگر ارجح است، البته اگر خرید و فروش کودکان به منظور قاچاق صورت بگیرد، این مقرر شامل آن خواهد شد. ایرادی که به این قانون وجود دارد، این است که برای قاچاق دانستن جرم قاچاق کودکان تعدد مرز لازم نیست و کافی است که این جرم در مکان واحد صورت پذیرد تا شامل قاچاق گردد همان‌گونه که در برخی معاهده‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون‌های سارس و پارمو بدان اشاره شده است.

۱-۳-۴. قانون مجازات عمومی و مجازات اسلامی: به طور

کلی در قوانین مجازات عمومی و مجازات اسلامی تا قبل از

آنچه می‌توان در این قانون در مورد خرید و فروش کودکان اقتباس کرد، جرم دلالی و واسطه‌گری است که بر طبق ماده ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی معاون جرم به شمار می‌روند و مجازات مقرر برای آن‌ها اعمال می‌شود.

۱-۳-۵. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب

۱۳۸۱: کودکان به خاطر وضعیت و موقعیت آسیب‌پذیری که به لحاظ جسمانی، روانی و اجتماعی دارند، در جامعه به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیر و دارای پیش‌زمینه بزه‌دیدگی یا بزه‌دیدگان بالقوه یاد می‌شوند و به دلیل همین وضعیت بیشتر آسیب‌پذیری آن‌ها در قیاس با بزرگسالان است که قانونگذاران با جرم‌انگاری برخی رفتارها، برای جلوگیری از بزه‌دیدگی درون خانواده و اجتماع، مبادرت به حمایت‌های کیفری افتراقی ویژه از آنان نموده‌اند (۲۷). از آنجا که بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان بیش از سایرین پنهان می‌ماند و منجر به تداوم وضعیت بزه‌دیدگی آنان می‌شود، ضرورت اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی (Differential Criminal Policy) در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده بیش از پیش محسوس بود (۲۸).

بر همین اساس قانونگذار بر طبق پیشنهاد اولیه انجمن حمایت از کودکان، در سال ۱۳۸۱ مجاب شد تا قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب برساند. این قانون را می‌توان یکی از نقاط عطف نگرش جامع به حقوق کودک و اولین گام در کشور در جهت اعاده حقوق کودک دانست که در آن ضمن ملاحظه واقعیات موجود جامعه مدنی و تعهدات بین‌المللی ایران به ویژه عضویت ایران در پیمان‌نامه حقوق کودک، به یافته‌های روان‌شناختی و جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی نیز توجه و تأکید شده است (۲۹).

تمامی اشخاص کمتر از ۱۸ سال شمسی از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند هستند. قانونگذار در این تعریف تمایل خود را به استفاده از الفاظ کودک و نوجوان بر تعریف طفل به افراد کمتر از ۱۸ سال نشان داده است (۲۷). در ماده سوم قانون مزبور چنین آمده است: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، به طور خاص راجع به خرید و فروش انسان یا کودکان بحثی به میان نیامده و پیش‌بینی‌های لازم انجام نشده است و در این مورد، قانون مبارزه با قاچاق انسان و تطبیق نوع عمل ارتكابی با مواد این قانون ملاک عمل قرار می‌گرفت (۲۵).

چرایی این امر به موضوع خرید و فروش انسان در قالب بردگی برمی‌گردد که پدیده‌ای منسوخ محسوب می‌شد و وجود چنین پدیده‌ای سالبه به انتفای موضوع تلقی گردیده بود و طبیعتاً توجه سیاستگذاران کیفری به این موضوع معطوف نبوده است (۲۳).

به دلیل خلأ موجود در قانون مجازات اسلامی، در هنگام طرح تقدیمی حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۰ که در نهایت در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید، مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی پیشنهاد داد که مقررات طرح باید به موضوع کودک‌آزاری محدود شود و این موضوع در قالب الحاق یک ماده به شرح زیر به قانون مجازات اسلامی پیشنهاد شود:

«هر کس مرتکب اذیت و آزار افراد زیر هجده سال تمام شمسی شود، به نحوی که موجب ایراد صدمه جسمی یا روانی یا اخلاقی به آنان گردد یا سلامت جسم یا روان یا تعلیم و تربیت آنان را به مخاطره اندازد، به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال با جزای نقدی از دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد. چنانچه مرتکب ولی یا سرپرست قانونی مجنی‌علیه باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از اعمال ولایت با سرپرستی محروم می‌شود.

تبصره ۱: اعمال زیر در مورد کودکان و نوجوانان از جمله مصادیق اذیت و آزار محسوب می‌شوند:

هر نوع شکنجه و آسیب جسمی یا روانی - خرید و فروش...» (۲۶)، پیشنهاد چنین الحاقیه‌ای، اگرچه تا آن زمان که سیاست کیفری افتراقی در این زمینه وجود نداشت، مطلوب محسوب می‌شد، اما با وجود تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و لزوم تصویب قانونی خاص برای کودکان و نوجوانان، جایی برای ارائه آن باقی نمی‌ماند، مگر در مواردی که به مقررات این قانون تصریح یا ارجاع شده باشد.

عمومی و ۶۲۱۱ ق.م.ا) در جهت تشدید مجازات مجرم و قانون تکراری است. قلمداد کردن کودکی به جای کودک دیگر بر طبق مواد ۶۳۱ و ۶۳۳ (ق.م.ا) و رهاسازی طفل (طبق مواد ۱۹۸، ۱۹۹، ۱۷۱، ۱۷۲ و ۲۰۱ قانون مجازات عمومی) جرم‌انگاری‌هایی صورت گرفته بود. تا این زمان با آنکه در زمینه خرید و فروش کودکان قانونی یافت نمی‌شد، اما به نظر می‌رسد در قانونگذار در قانون مزبور ضمن عبارت «به منظور ارتکاب اعمال خلاف»، به نحوی برای اجرای این ماده، محدودیت قائل شده که این مورد با عموم الفاظ خرید و فروش در صدر ماده منافات دارد (۲۹). علاوه بر مجازاتی که در ماده ۳ بیان شده بود قانونگذار به منظور حمایت بیشتر از کودکان و نوجوانان در ماده ۸ این قانون مقرر کرده است: «اگر جرائم موضوع این قانون مشمول عناوین دیگر قانونی شود یا در قوانین دیگر حد یا مجازات سنگین‌تری برای آن‌ها مقرر شده باشد، حسب مورد حد شرعی یا مجازات اشد اعمال خواهد شد.»

بر اساس نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۹۷ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۰۱ اداره کل امور حقوقی قوه قضاییه، هدف قانونگذار از وضع و تصویب ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۰۱/۲۵ این است که خرید، فروش و بهره‌کشی کودکان هر کدام عناوین مجرمانه مستقل از دیگری هستند و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب خلاف مثل قاچاق نیز عنوان مجرمانه مستقلی از دیگر عناوین یادشده در این ماده از قانون اخیر است. بنابراین صرف خرید و فروش اطفال به هر منظوری از نظر قانونگذار جرم تلقی شده است. بنابراین خرید و فروش کودک، حتی به مقاصد انسان‌دوستانه‌ای چون به سرپرستی گرفتن نیز طبق قانون جرم است و مرتکبان آن اعم از خریدار و فروشنده مستوجب کیفر خواهند بود.

۱-۳-۶. قانون حمایت از کودکان و نوجوان بی‌سرپرست و بدسرپرست: قانون مزبور در دو بازه زمانی ۱۳۵۳ و ۱۳۹۲ تصویب شد، در حالی که عارضه بدسرپرستی و بی‌سرپرستی خود می‌توان زمینه و عاملی باشد که کودکان در معرض خرید و فروش قرار گیرند - همانطور که به وفور این مورد را مشاهده

خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد. در این ماده، قانون برای نخستین مرتبه اقدام به جرم‌انگاری و تقنین کیفری بزه خرید و فروش کودک و نوجوان نمود که البته ابهام‌های متعدد متن آن، مانع تحقق سیاستگذاری پیشگیرانه از این بزه به شمار می‌رفت.

در این ماده تحقق جرم منوط به وجود انگیزه و قصد به کارگیری کودکان در اعمال خلاف قانون است که می‌توان زمینه سوءاستفاده یا سوءبرداشت‌های وسیعی را در رابطه با انگیزه عمل فراهم کند. به همین دلیل پدر و مادری که با انگیزه مالی یا سعادت فرزند خود اقدام به فروش او می‌کنند، قابل مجازات نبودند که اداره حقوقی قوه قضاییه، با ارائه تفسیری موسع، خرید و فروش کودکان به هر انگیزه‌ای را جرم قلمداد نموده است که البته این اقدام برخلاف تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم است.

با وجود جرم‌انگاری بزه خرید و فروش کودک و نوجوان، متأسفانه عدم اشاره صریح به موضوع خرید و فروش غیر قانونی آنان و نیز عدم پیش‌بینی ضمانت‌اجراهایی لازم در این زمینه یکی از نقاط ضعف قانون اخیرالذکر بود. یکی دیگر از نقاط ضعف این قانون عدم اشاره صریح به مسئولیت والدینی است که در قبال واگذاری کودک خود به دیگری تحت عنوان فرزندخواندگی، جوهری را دریافت می‌کنند، بود که اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی در خصوص پدران و مادرانی که طفل خود را در اختیار دیگری قرار داده و در قبال آن وجهی را دریافت می‌نمایند و فرزندخواندگی اتفاق می‌افتد، بیان داشته است که این مورد نیز مشمول ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ بوده و هرگونه خرید و فروش و بهره‌کشی جرم محسوب می‌شود و ضمانت اجرای کیفری را به دنبال خواهد داشت.

قوانین مشابه با قانون مزبور (مصوب ۱۳۶۷/۰۷/۲۶) در زمینه عبور دادن غیر مجاز کودکان، سرقت کودک، ربودن و اختفای کودکان در سنین مختلف (ماده ۲۰۷ و ۲۰۹ قانون مجازات

که ممکن است طرفینی در تحقق آن نقش داشته باشند، به صورت مستقل به جرم‌انگاری هم‌دستی و واسطه‌گری این معامله مبادرت نموده است (۳۰).

در بند «ج» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، معامله به عنوان خرید و فروش یا هر اقدام غیر قانونی تعریف شده که طی آن کودک یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز در اختیار دیگری قرار می‌گیرد. این تعریف، اگرچه پایه خوبی برای مقابله با سوءاستفاده از کودکان فراهم می‌کند، اما برخی از روش‌های پیچیده‌تر و پنهان‌تر معامله کودکان را به طور صریح پوشش نمی‌دهد. اضافه کردن یک تبصره به این بند می‌تواند گام مهمی در جهت تکمیل و تقویت آن باشد. این تبصره باید به طور مشخص روش‌های صوری معامله کودک را نیز در حکم معامله قرار دهد، از جمله درباره اجاره کودک به عنوان نیروی کار در ازای پرداخت پول یا امتیاز به والدین یا سرپرست کودک. افزودن این تبصره به قانون از چند جهت ضروری است. اولاً این تبصره خلأ قانونی موجود در مورد روش‌های غیر مستقیم و پنهان معامله کودکان را پر می‌کند؛ دوم اینکه با تصریح بر مواردی مانند اجاره کودک به عنوان نیروی کار، قانون می‌تواند به طور مؤثرتری با کار کودکان مقابله کند. این اصلاح همچنین اجازه می‌دهد تا با نگرش حقوقی وسیع‌تری به موضوع معامله کودکان نگاه شود و در مواجهه با موارد پیچیده و غیر مستقیم، ابزار قانونی لازم برای برخورد با مجرمان فراهم شود (۳۱).

«ماده ۱۱: هرگونه معامله راجع به طفل یا نوجوان ممنوع بوده و مرتکب به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود، چنانچه این رفتار با هدف فحشا و هرزه‌نگاری، بهره‌کشی اقتصادی، برداشت اعضا یا جوارح و یا استفاده از طفل و نوجوان در فعالیت‌های مجرمانه باشد، مرتکب به مجازات حبس درجه چهار قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.» در این ماده برخلاف ماده ۳ قانون ۱۳۸۱ صرف انجام معامله به هر انگیزه‌ای مجازات شخص را در پی دارد.

ایراد این ماده این است که قانونگذار تمام اهدافی که معامله کودکان بدین منظور انجام می‌گردد را یکسان انگاشته و بین آن‌ها تفاوتی قائل نشده و برای آن‌ها مجازات واحد در نظر

می‌کنیم - اما قانونگذار به هر علتی که بر ما پوشیده است هیچ اشاره‌ای به بحث خرید و فروش و قاچاق کودکان ننموده است. در موضوع کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست با چالش اساسی خلأ قانونی در زمینه عدم حمایت قانونی همه‌جانبه در جهت شناسایی و تضمین حقوق اساسی آنان بر اساس استانداردهای بین‌المللی حقوق کودک هستیم. در ماده ۳ این قانون تأکید شده تنها افرادی که دارای صلاحیت اخلاقی، قانونی و مالی مناسب هستند، می‌توانند سرپرستی کودکان را به عهده بگیرند. بدیهی است مواد این قانون به گونه‌ای طراحی شده‌اند که امکان سوءاستفاده از کودکان، از جمله خرید و فروش آن‌ها به حداقل برسد.

۱-۳-۷. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب

۱۳۹۹: پیش‌نویس ابتدایی این لایحه حدود سال ۱۳۸۳ شروع و در سال ۱۳۸۶ با ۸۶ ماده در قوه قضاییه به اتمام رسید. لایحه در تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۹ در دولت تصویب و در تاریخ ۲۸ آبان در ۴۹ ماده به مجلس فرستاده شد، در سال ۱۳۹۱ در دستور کار مجلس قرار گرفت و در سال ۱۳۹۲ به کمیسیون قضایی ارجاع شد. نمایندگان در دوم مردادماه ۱۳۹۷ کلیات این لایحه را با ۵۱ ماده تصویب کردند. با این همه رفت و برگشت‌های مکرر بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ادامه پیدا کرد تا اینکه در نهایت در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از تاریخ ۴ اسفندماه همین سال لازم‌الاجرا گشت (۱).

جرم‌انگاری دقیق رفتارهای مخاطره‌آمیز و آسیب‌رسان مثل معامله و قاچاق کودکان و تشدید مجازات مرتکبین و... نسبت به قانون قبلی می‌تواند از نکات مثبت قانون اخیرالذکر باشد. در قانون قبلی حداکثر مجازات از درجه ۵ تا ۸ قانون مجازات اسلامی تعیین شده بود، در حال حاضر با دقت بیشتر و در بعضی از موارد تا درجه ۳ نیز ارتقا یافته و علاوه بر آن سایر مجازات‌های معمول از قبیل دیه، حد و... نیز کماکان ادامه یافته است.

علاوه بر این قانونگذار با در نظر گرفتن جرم خرید و فروش اطفال و نوجوانان به عنوان یک معامله غیر قانونی و مجرمانه

گرفته است، در حالی که برخی از این موارد از نیاز به مجازات شدیدتری دارند. واژه ممنوع در این ماده از نظر قانونگذار معادل جرم آمده است.

مجازات این جرم نسبت به قانون قبلی حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ افزایش یافته و اعمالی مانند برداشت اعضا و جوارح را نیز جرم‌انگاری شده‌اند. در این ماده ابهامات و خلأهای وارده در قانون سابق برطرف گردید و بزه قاچاق نیز از آن تفکیک شد، چراکه طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان، خارج‌نمودن انسان از مرز جهت تحقق عنوان بزه قاچاق لازم است، در حالی که در خرید و فروش کودکان و نوجوانان، ورود و خروج به مرزهای کشور شرط تحقق قاچاق نیست. در ماده ۱۲ این قانون نیز جرم قاچاق از خرید و فروش تفکیک شده و برای آن مجازات درجه ۳ قانون مجازات مقرر شده است.

از آنجا که در وقوع بزه خرید و فروش کودک و نوجوان، امکان واسطه‌گری در موارد زیادی از قبیل دخالت ادارات دولتی و سرپرستان قانونی یا کسانی که به حکم قانون سرپرست کودکان به شمار می‌آیند، مانند کسی که حضانت یا فرزندخواندگی طفل بزه‌دیده وجود دارد، قانونگذار سعی در شناخت ابعاد مختلف وقوع این بزه در ابعاد فرهنگی اقتصادی و اجتماعی برآمده تا به پیشگیری از آن کمک نماید.

در مورد واسطه‌گری جرم خرید و فروش اطفال و نوجوانان در تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۱۱ این قانون چنین آمده: «تبصره ۱: اشخاصی که واسطه‌گری در ارتکاب جرم موضوع این ماده را حرفه خود قرار داده باشند، به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مباشر جرم محکوم و در غیر این صورت به مجازات معاون محکوم می‌شوند.

تبصره ۲: هرگاه کارکنان نهادهای حکومتی مأمور به خدمات عمومی اعم از دولتی و غیر دولتی در ارتکاب جرم موضوع این ماده دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات اصلی به محرومیت اجتماعی درجه پنج قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.»

۱-۳-۷-۱. نقد مجازات مندرج در قانون حمایت از

کودکان و نوجوانان: ایراد این قانون و قوانین مشابه عدم

تناسب میان بزه صورت گرفته و مجازات قانونی آن است که فروشندگان و خریداران اطفال را نسبت به انجام این عمل مجرمانه گستاخ کرده است، در حالی که قانونگذار برای جرائم خفیف‌تر مجازات‌های سنگین در نظر گرفته است، مجازات خرید و فروش کودک با تمام عواقب ویرانگر فردی، اجتماعی، انسانی و اخلاقی آن، تنها مجازات حبس درجه ۴ و ۵ در نظر گرفته است که این مجازات از توان بازدارندگی لازم برخوردار نیست و در مقابل این تجارت کثیف که گردش مالی هنگفتی دارد، ناچیز و غیر قابل دفاع است. در فقه اسلامی برای عمل خرید و فروش انسان بر پایه روایات متقن مجازات قطع ید لحاظ شده که مبتنی بر احترام به کرامت و شخصیت انسان است. در واقع این پدیده آنقدر در نزد شارع مقدس منفور است که بالاترین مجازات برای آن لحاظ شده است. از همین رو می‌طلبید این قانون با بهره‌گیری از فقه اسلامی بازنگری شود و مجازات فروشنده و خریدار کودک قطع ید لحاظ گردد تا از بازدارندگی لازم برخوردار باشد. سکونی از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «ان امیرالمؤمنین (ع) اتی برجل قد باع حرا، فقطع یده» (۳۲)، مردی را نزد امیرالمؤمنین آوردند که انسان حرو آزادی را فروخته بود که امام دستش را قطع کرد. به نظر می‌رسد بر مبنای این روایت که از وثاقت دلالتی و سندی برخوردار است - چراکه قطع ید توسط امام علی (ع) دلالت بر حرمت فعل دارد - می‌توان حکم نمود که اگر انسان، شخص آزادی را بفروشد، خواه مرد باشد یا زن و صغیر باشد یا کبیر، در مورد او مجازات قطع ید جاری می‌شود، چون روایت در این موارد اطلاق دارد، ضمن اینکه روایات دیگری در این زمینه وجود دارند که اگرچه برخی از آنها از پشتوانه سندی و دلالتی محکمی برخوردار نیستند، اما می‌توانند به عنوان مؤید این روایت قلمداد شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این عمل تحت عنوان بیع انسان آزاد و مستقل از قاچاق انسان جرم‌انگاری شده و مجازات آن قطع ید است. از آنجا که یکی از دلایل شیوع پدیده خرید و فروش کودکان، ناکارآمدی قوانین است مجازات قطع ید می‌توان از بازدارندگی کافی برخوردار باشد، پس توجه به ظرفیت فقهی موجود می‌توان در این زمینه راهگشا باشد.

هدف، این است که کودک یا نوجوان در محیطی امن رشد کند و از هرگونه استثمار یا رفتارهای غیر قانونی در امان باشد؛
۲- منع فروش و قاچاق کودکان و نوجوانان: به صراحت اعلام شده است که هر شکلی از فروش یا قاچاق کودکان و نوجوانان، تحت هر شرایطی و برای هر هدفی، ممنوع است. این بیان، خرید و فروش کودکان را از نظر قانونی جرم می‌داند و هیچ استثنایی برای آن قائل نیست. چنین تصریحی اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد و مسئولیت دولت و نهادهای مرتبط در برخورد جدی با متخلفان را برجسته می‌کند.

۴-۱. **زمینه‌های ارتکاب جرم خرید و فروش کودکان:** با وجود حمایت‌های افتراقی قانونگذار در حمایت از کودکان و نوجوانان، اما بر اساس آمار رسمی و غیر رسمی پدیده اجتماعی خرید و فروش کودکان همه‌ساله روندی رو به رشد داشته است که باید بیش از پیش‌زمینه‌ها و انگیزه‌های وقوع این جرم مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. از این رو لازم است زمینه‌های ارتکاب این پدیده شناسایی و راه حل مناسب پیشنهاد گردد تا از این جرم پیشگیری به عمل آید. ایرادی که متوجه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به عنوان یک قانون افتراقی دیده می‌شود، این است که بیش از آنکه هدف آن حمایتی باشد، بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات تمرکز کرده است.

۴-۱-۱. **فرزندخواندگی:** نارسایی و وجود خلأهای بسیار در باب فرزندخواندگی یکی از دلایل شیوع پدیده معامله کودکان و نوجوانان تحت این قالب به اصطلاح قانونی است (۳۲). به همین جهت لازم است شفافیت لازم در فرآیند واگذاری کودکان و دسترسی آسان‌تر برای متقاضیان فرزند فراهم شود و همچنین بر فرآیند واگذاری کودکان نظارت کافی وجود داشته باشد.

می‌توان از سازمان بهزیستی این انتظار را داشت که با تسهیل شرایط فرزندخواندگی، حامی آن دسته از والدینی باشند که متقاضی فرزند هستند، چراکه عمده خرید و فروش نوزادان از محل غیر قانونی، توسط خانواده‌هایی که بچه‌دار نمی‌شوند. علاوه بر آن و با توجه به درخواست زیاد و عدم امکان واگذاری

۳-۷-۱. **اصلاحات پیشنهادی:** ۱- تعریف طفل به عنوان فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده و تعریف نوجوان به عنوان فرد کمتر از ۱۸ سال که به سن بلوغ شرعی رسیده با اینکه گامی مهم در جهت هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی است، اما باید به گونه‌ای باشد که حمایت همه‌جانبه‌ای از این دو گروه به عمل آید و مانع هرگونه سوءاستفاده گردد؛ ۲- اضافه کردن تبصره‌ای به ماده ۱، به گونه‌ای که هر نوع معامله کودکان اعم از خرید و فروش و اجاره یا ازدواج کودک، ممنوع شود.

۳-۸. **سند ملی کودک و نوجوان:** این سند مشتمل بر کلیات، مقدمه و ۱۴ ماده در جلسه ۸۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۰۴ شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده، به تصویب رسیده است. در شهریور ۱۴۰۰ توسط رییس‌جمهور به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ گردید.

در ماده ۱۱ آن ذیل عنوان حق امنیت چنین آمده است:

«کودک از بدو تولد در برابر تمام اشکال استثمار و سوءاستفاده مصونیت دارد. تحقیر، شکنجه بدنی و روانی او ممنوع است. در حمایت از امنیت کودک و نوجوان باید تدابیر ذیل انجام پذیرد:

۱- پیشگیری و مقابله با ربوده‌شدن، فروش و یا قاچاق کودکان و نوجوانان به هر شکل و یا با هر هدف؛

۲- پیشگیری و مقابله با استفاده کودکان و نوجوانان از مواد مخدر، روان‌گردان‌ها، مسکرات و مواد مضر و یا به کارگیری آنان در تولید، قاچاق، ترویج و یا خرید و فروش و یا نگهداشت آن؛

۳- تشدید مجازات افراد ترغیب‌کننده، آموزش‌دهنده یا به کارگیرنده کودکان و نوجوانان به انواع جرائم.»

تحلیل مفاد این ماده را می‌توان از دو جنبه اصلی بررسی کرد:

۱- پیشگیری و مقابله: این ماده تأکید دارد که اقدامات مؤثری باید اتخاذ شود تا از وقوع جرم‌هایی مانند ربوده‌شدن، فروش یا قاچاق کودکان و نوجوانان پیشگیری شود. این شامل شناسایی عوامل خطر، ایجاد آگاهی عمومی، آموزش خانواده‌ها و کودکان و تقویت سازوکارهای نظارتی و حفاظتی در جامعه است.

سرپرستی دارد یا به هر نحو مراقبت و نگهداری از طفل و نوجوان بر عهده او می‌باشد، به بیش از میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.»

۱-۴-۴. **عدم نظارت بر فضای مجازی:** بر طبق شواهد موجود یکی از عمده‌ترین بخش‌های شیوع و گسترش پدیده خرید و فروش کودکان و نوجوانان، فضای مجازی است که به دلیل نبود یا نقصان مقررات قانونی به طور علنی اقدام به آگهی‌های خرید و فروش می‌کنند. بدیهی است اگر ارتکاب این جرم به صورت باند باشد، از عوامل مشدده جرم محسوب می‌شود و با لحاظ تعداد و دفعات ارتکاب جرم و مصادیق تعدد جرم با مرتکب رفتار خواهد شد، ضمن اینکه به خاطر جریحه‌دار کردن اخلاق و عفت عمومی جامعه، الزام به جبران خسارات معنوی نیز دور از انتظار نیست. قانون باید فقط سازمان بهزیستی را به عنوان یگانه مرجع کسانی که خواهان سرپرستی کودک معرفی کند و دیگر افراد و سازمان‌ها را از این کار منع نماید و مجازات متناسب برای آن‌ها در نظر بگیرد.

۱-۵. **ارزیابی قوانین مرتبط:** به جهت آنکه کودکان از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه هستند، نیازمند حمایت‌های قانونی بیشتری هستند و وضع قوانین کیفری برای حمایت هرچه بیشتر از آنان در جهت عدم بزه‌دیدگی آنان امری ضروری است (۳۴). همین خصیصه در کنار شخصیت کودک سبب شده است که قانونگذاران کیفری در قبال وی رویکردی متفاوت با بزرگسالان داشته باشند و امروزه دادرسی ویژه کودکان بزهکار نیز متأثر از همین رویکرد شکل گرفته است، اما درباره دادرسی ویژه کودکان بزه‌دیده آنطور که بایسته است چنین رویه‌ای اتخاذ نشده است (۲۸).

در واقع خصیصه آسیب‌پذیری این قشر نسبت به دیگران برای بزهکاران بالقوه مطلوب و هدف مناسبی است و می‌توان زمینه را برای سرعت‌بخشیدن به حرکت فرایند جنایی در مرحله شکل‌گیری اندیشه مجرمانه و عملی کردن آن فراهم کند (۳۵). این حمایت قانونی از طریق یک سیاست افتراقی در قالب جرم‌انگاری خاص در حوزه حقوق و آزادی‌های کودکان یا به

فرزند به همگان، لازم است که سازمان بهزیستی اهتمام بیشتری نسبت به امر آموزش عموم جامعه داشته باشد و به شیوه‌های گوناگون به مردم آموزش دهد که انجام چنین کاری جرم است. در مورد فرزندخواندگی باید بر مبنای قوانین و احراز شرایط مربوطه اقدام شود و اگر این عمل تحت عناوین خرید و فروش و هدیه انجام گیرد، جرم و خریدار و فروشنده مجازات می‌گردند.

۱-۴-۲. **عوامل اقتصادی و اجتماعی:** طبق آمارهای غیر رسمی که هر از چند گاهی در فضای مجازی منتشر می‌شود، فقر و بیکاری، مهاجرت و اعتیاد در صدر عوامل خرید و فروش کودکان توسط خانواده‌ها به شمار می‌رود که تحت تأثیر شرایط اقتصادی رو به گسترش نهاده است، به گونه‌ای که آمار فروش فرزند توسط این اقشار به موجب آمار بیشتر از سایر اقشار بوده است. به طور خاص اعتیاد زمینه افزایش جرایمی این دست را افزایش داده است، چراکه شخص به سرعت، قدرت درک شعور و عواطف خود را از دست می‌دهد (۳۳).

۱-۴-۳. **خانواده‌ها:** در واقع هسته اولیه شکل‌گیری بزه خرید و فروش کودکان در خانواده شکل می‌گیرد که خود به عوامل مختلفی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم توجه کافی قانونگذار به مسئولیت والدین در قبال حق امنیت کودک است. با وجود پیامدهای خطرناک کودک‌آزاری، وضع مجازات‌های بازدارنده برای والدین کودک آزار، از جمله راهکارهای پیش‌گیرنده از وقوع این پدیده خواهد بود. بسیاری از افراد برای دورزدن قانون، از الفاظی، چون هدیه و اهدای نوزاد استفاده می‌نمایند تا مشمول مجازات‌های مقرر در قانون نگردند. از این رو خلأ قانونی به شدت در این حوزه محسوس است. در ماده ۹ این قانون بی‌توجهی و سهل‌انگاری والدین نسبت به کودکان جرم‌انگاری گردیده است، اگرچه نقطه ضعف آن بر مبنای دیدگاه سنتی و مالکیتی والدین است که حداقل مجازات برای سهل‌انگاری آن‌ها در نظر گرفته شده است. در بند «الف» ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در این رابطه مقرر شده است: «اگر مرتکب خرید و فروش کودک در زمره کسانی باشد که سمت ولایت، وصایت، قیمومت یا

قانونی موجود اتفاق می‌افتد. با این همه مجازات به تنهایی کارگشا نیست، بلکه باید قانونگذار ضمن ملاحظه رویکردهای قضایی، در راستای رفع زمینه‌های اجتماعی این جرم و نیز اتخاذ رویکردهای حمایتی اقدام نماید.

از جمله تدابیری که باید با پیگیری و مدیریت دولت و با هدف پیشگیری غیر کیفری از خرید و فروش کودکان انجام شود، به شرح ذیل است:

۱- تدوین و تصویب قوانین و مقررات جامع جهت پیشگیری از خرید و فروش کودکان، نظارت همگانی و مجازات مناسب مرتکبین تا بدین طریق زمینه وقوع این جرم به حداقل برسد، چراکه وجود قانون ناکارآمد یا مقررات پراکنده می‌تواند در این حوزه آسیب‌زا باشد و در برخی مواقع تسهیل‌کننده جرم باشد؛

۲- افزایش آگاهی و دانش عمومی درباره حقوق کودکان، نقش و اهمیت خانواده و والدین و نیز جامعه در حفظ حقوق کودکان و حمایت از آنان. به نظر می‌رسد مؤثرترین و پایدارترین اقدام در حمایت از کودکان در معرض این‌گونه مخاطرات، افزایش آگاهی‌های عمومی و توانمندسازی حقوقی مردم است که باید از طریق تهیه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی با رویکرد تغییر الگوهای رفتاری ناپسند و ترویج الگوهای شایسته رفتار با کودکان و نیز تشریح عوامل و موارد آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری و بهره‌کشی و پیامدهای آن انجام شود؛

۳- همکاری بیشتر میان قوای سه‌گانه و نهادهای عمومی به گونه‌ای که هر دستگاه وظایف محوله و حمایت‌های خود را از سازمان بهزیستی به عمل آورد و در عین حال از موازی‌کاری دوری شود؛

۴- بهره‌مندی از مشارکتهای مردمی و تشکل‌های مردم‌نهاد در مورد نظارت، گزارش‌دهی و حمایت به موقع از کودکان در معرض آسیب، از جمله کودکان موضوع خرید و فروش. به کارگیری این ظرفیت در قالب اعطای مشوق‌های لازم انجام می‌گردد؛

۵- شناسایی خانواده‌های ناامن و آسیب‌زا (مانند خانواده‌های خیلی فقیر، اعتیاد، آوارگی، مهاجرت) و ساماندهی و

صورت تشدید مجازات جرائم ارتكابی علیه آنان صورت می‌پذیرد.

سعی قانونگذار ایران این بوده که به موازات اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی را اصلاح کند که از جمله می‌توان به قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که متأثر از کنوانسیون حقوق کودک بود و نیز قانون قاچاق انسان اشاره نمود (۶). اتخاذ سیاست کیفری افتراقی تا حدودی توانسته به خلأ موجود پاسخ دهد، اما کماکان نیازمند استفاده از ظرفیت‌های علمی برای تقویت آن می‌باشد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۶۱ قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۵ در پاسخ به اینکه آیا فروش کودک خردسال توسط پدرش و یا مطلق فروش انسان در قوانین موضوعه کیفری جرم محسوب می‌شود یا خیر؟ به شرح ذیل است:

«در قوانین موضوعه ایران قانونی تحت عنوان فروش انسان و همچنین فروش کودک خردسال توسط پدرش پیش‌بینی نشده و برده‌فروشی هم در ایران وجود نداشته، بنابراین اگر منظور از سؤال قاچاق انسان باشد با مراجعه به قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱ و تطبیق نوع عمل ارتكابی با مواد قانون مذکور می‌شود، اتخاذ تصمیم نموده و در خصوص فروش کودک خردسال هم توجه به ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ عمل مزبور جرم و قابل تعقیب است.»

نتیجه‌گیری

در تحلیل مطالب مطرح‌شده باید گفت، از نگاه علمی، میان بزه خرید و فروش کودکان و مجازات‌های محقق در قانون تناسب وجود ندارد، به گونه‌ای که همین مورد، یکی از علت‌های روزافزون ارتكاب این جرم است. مجازات خرید و فروش کودک با تمام عواقب ویرانگر فردی، اجتماعی، انسانی و اخلاقی آن، به هیچ وجه از جنبه بازدارندگی لازم و کافی برخوردار نیست و لازم است با توجه به شأن و کرامت انسانی در این زمینه سختگیری بیشتری اعمال شود، به گونه‌ای که می‌توان گفت یکی از عوامل افزایش این پدیده اجتماعی در سایه خلأهای

پشتیبانی و مراقبت از آن‌ها، به دلیل اینکه زمینه وقوع بزه با توجه به وضعیت ویژه آنان بیشتر از سایرین است؛
 ۶- ساماندهی تشکیلات مناسب و کادر آموزش‌دیده، برای نظارت و حمایت بهتر از کودکان در معرض خطر (۳۶).

مشارکت نویسندگان

مهدی سعیدی: جمع‌آوری داده‌ها و نگارش متن.
 سیدمهدی جوکار و منصور غریب‌پور: تجزیه و تحلیل داده‌ها.
 نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Zahedi Asl M, Bazrafkan F. Investigating the trend of policy-making and institutional developments related to children in Iran. *Social Development & Welfare Planning*. 2021; 11(45): 39-83. [Persian]
2. Safari M, Zahrawi R. A comparative analysis of denied based solely on the age of the child defined. *Journal of Judicial Law Views*. 2012; 17(59): 173-204. [Persian]
3. Kari Yu. Early psychosocial intervention in the prevention of criminal behavior. Translated by Najafi Ebrandabadi AH. *Legal Research Quarterly*. 2002; 5(35-36): 267-304. [Persian]
4. Ayolasal J. Minors at risk in French law: procedural assistance. Translated by Najafi Abrandabadi AH. *Legal Research Quarterly*. 2007; 10(46): 201-224. [Persian]
5. Shams Nateri M. Iran's criminal policy in relation to organized crimes with an approach to international criminal law. Doctoral Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University; 2010. p.95. [Persian]
6. Mirian Z. Child sexual slavery and the mechanisms to deal with it in the international human rights system with a case study of Iranian law. Master's Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University; 2013. p.8. [Persian]
7. Ansari M, Taheri M. *Encyclopedia of private law*. 1st ed. Tehran: Mehrab-e Fekr; 2004. p.1217. [Persian]
8. Zakavi M. *Special Victims in the Light of Supportive Victimology*. 1st ed. Tehran: Majd Publications; 2010. p.55. [Persian]
9. Ebadi SH. *Children's rights: A look at the legal issues of children in Iran*. 5th ed. Tehran: Kanoon Publications; 1999. Vol.1 p.5. [Persian]
10. Powell Conger J, Keegan J, Houston A. *Child development and personality*. Translated by Yasai M. Tehran: Markaz Publications; 2018. p.634. [Persian]
11. Blair G, Jones S. *Psychology of adolescence for teachers*. Translated by Shapoorian R. Tehran Amir Kabir Publications; 1996. p.14. [Persian]
12. The Center for the Great Islamic Encyclopedia, the Great Islamic Encyclopedia. *Children's Rights, an important topic including children's rights based on religious teachings and national and international laws*. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia; No Date. Vol.9 p.445. [Persian]
13. Pouria M. Comparative study of the Additional Protocol to the Convention on the Rights of the Child regarding the sale of children, pornography and child pornography (May 25, 2000) with Iran's legal system. Master's Thesis. Gilan: Gilan University; 2014. p.31, 69. [Persian]
14. Fazel L. The concept of the child in benefiting from the right, in the international human rights system and a case study in the Iranian legal system. Master's Thesis. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2018. p.9. [Persian]
15. Al-Joba'i al-Amili Z. *Al-Rawda al-Bahiyyah fi Sharh al-Lama' al-Damashqih*. Qom: Judgment; 1989. p.101, 109. [Arabic]
16. The Supreme Council of the Cultural Revolution. *National Document on the Rights of Children and Adolescents*. Approved at the 806th Meeting. 2017. [Persian]
17. Raeeszadeh F. Review of the Additional Protocol to the Convention on the Rights of the Child regarding Sale, Prostitution and Pornography. Master's Thesis. Tehran: Central Tehran Branch, Islamic Azad University; 2013. p.36. [Persian]
18. Esmaili E. Eating wealth for falsehood in the jurisprudential view of Sheikh Ansari. *Journal of Figh*. 1994; 1(1): 127-147. [Persian]
19. Ansari M. *Al-Makasib*. 1st ed. Qom: Congress of Commemoration of Sheikh Azam; 1998. Vol.4 p.9-10, 69. [Arabic]
20. Langroudi M. *Legal Terminology*. 22nd ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1991. p.37. [Persian]
21. Moravvej Jazayeri M. *Hoda Talib fi Sharh al-Makasab*. 1st ed. Qom: Dar al-Kitab; 1995; Vol.5 p.521. [Arabic]
22. Bagharpourian M. Human trafficking from the point of view of international law and its place in Iran's criminal law. Master's Thesis. Qom: Higher Education Complex; 2013. p.151-152. [Persian]
23. Nikbakhti J. Examining the compliance of Iran's criminal law with the child rights protocol Sale prostitution and pornography of children. Master's Thesis. Semnan: Semnan University; 2017. p.43. [Persian]
24. Habibzadeh MJ, Moghadasi MB. Criminal Protection of the Child Victims in Iranian Law Compared to International Instruments. *Journal of Comparative Law*. 2006; 10(55): 57-76. [Persian]
25. Consultative theory of the Judiciary dated. 2013. 1461(7). [Persian]

26. Islamic Council Research Center. 2001. p.10. [Persian]
27. Zeinali A. The Globalization of special Protection of Children. Refahj. 2010; 9(35): 51-87. [Persian]
28. Rashidzadeh S. Criminalization of behaviors against the personal and legal status of children and adolescents and legal protections in Iran and international documents. Master's Thesis. Sanandaj: University of Kurdistan; 2017. p.3. [Persian]
29. Naqvi Rad T. Examining the amount of child abuse before and after the "approval of the Law on the Protection of Children and Adolescents". Master's Thesis. Tehran: Al-Zahra University; 2007. p.1-2. [Persian]
30. Nikbakhti J. Investigation of the compliance of Iran's criminal law with the child rights protocol in the case of Sale, prostitution and pornography of children. Master's Thesis. Damghan: Damghan University; 2011. p.52. [Persian]
31. Resalat Newspaper. 2024. No.10958. [Persian]
32. Rezaei M. Examining modern slavery in domestic law and international law with an emphasis on children. Master's Thesis. Tehran: Payam Noor University; 2017. p.69. [Persian]
33. Hosseini SM, Sahlabadi M. Police-Social Knowledge. Tehran: Police Social Vice-Chancellor Publications; 2013. p.99. [Persian]
34. Azizi F. Pathology of Criminal Laws for the Protection of Victimized Children and Adolescents. Master's Thesis. Qom: University of Qom; 2018. p.44. [Persian]
35. Javan Jafari Bejnvardi A, Safari S, Javadi Hedayatabad M. Backgrounds to Sanction of the Law against Human Trafficking (2004) and Iran's Penal Policy on This Crime. Journal of Police International Studies. 2013; 4(13): 39-70. [Persian]
36. Available at: <https://cmirq.ir/fa/news/show/999>.